تاثیرگذاران حوزه خانواده
ار والدین با فرزندان

ن بس

کلی حرف نگفته از کارهای نکرده درباب سبک زندگی و تربیت پدر و مادر های آینده هست که متولیان این امر یا کم گذاشته اند یا خیلی کم گذاشته اند. رفته ایم سراغ همین ارگان ها تا اگر صدایمان بهشان رسید به طریق مختلف اهمیت خانواده و پرورش و آموزش والدین را بهشان گوشزد کرده و مطالبه کنیم.



مکتب خانه

یک آدم کامل و بی نقص اساسا یک آدم به رحمت خدا رفته است و پدر و مادرهای ما هم در بعضی اخلاق و رفتارها ایراد به شان وارد است. اما ما قماش کمال گراهای عصر جدید باید برایمان افت داشته باشد که یک پدر و مادر تراز نباشیم. حداقل نیمچه تراز!

این تراز شدن هم پیش زمینه هایی دارد و مهم ترینش آموزش در دل مدرسه است. اتفاقی که جایش در کتاب های درسی و آموزش های سبک زندگی و فعالیت های پرورشی عجیب خالی است.

اساسا هیچ مسلمانی پیدا نمی شود وظیفه مهم پدر و مادری را از همان سنین ابتدایی قدم به قدم به کودک و نوجوان یاد بدهد و همین می شود که توی جلسه اول خواستگاری پدر و مادر باید اقرار کنند دخترشان دست به سیاه و سفید نزده و پسرشان تا الان از جیب پدر پول بستنی می داد.

در نشست دوشنبه برنامه ساعت صفر که مربوط به چالش های دختران و والدین بود دکتر سیما فردوسی یکی از روان شناسان مطرح و استاد دانشگاه هم مهم ترین بستر تربیت والد خوب را مدرسه و آموزش و پرورش دانستند. تازه مدرسه فقط وظیفه اش تربیت دانش آموز برای این امر نیست و والدین را هم باید رصد کند و آموزش دهد. حالا این که چقدر این اقدامات در خصوص آموزش به خانواده و دانش آموز انجام می شود و چقدر خروجی دارد خدا عالم است.

گل یا پوچ

اساسا تاریخ به ما یاد داده وقتی دو چیز با یک «واو» کنار هم قرار می گیرند، آن کلمه دوم در عمل یک چیز فرمالیته خواهد بود. مثلا همان آموزش و پرورش که عرض شد. یا قبلا که نوجوان همیشه بعد از کودک می آمد و مثلا می گفتیم کتاب کودک و نوجوان و خب در این معادله همه چیز سهم کودکان می شد.

یک وزارتخانه هم داریم که از این «واو»ها دارد. وزارت ورزش و جوانان. که طبیعتا قرعه به نام جوانان می خورد و عجیب نیست که همه فکر و ذکر مسئولان این وزارتخانه ورزش باشد. تازه آن هم اساسا فوتبال، کمی والیبال و بقیه اش هم کشتی. اما از این که بگذریم، می بینیم تقریبا جز شعار ازدواج آسان برای جوانان، برنامه دیگری برای آماده کردن همین جوانان برای ایفای نقش پدر و مادری ندارد. باید به این وزارتخانه محترم گفت که گیریم وام ازدواج هم دادید؛ جوانان هم رفتند زیر یک سقف و بعدش هم فرزند دار شدند. خب؟ باید بایستند این بچه خودش بشود جوان که شما یک فکری به حالش کنید؟ مخصوصا حالا که قانون خودتان را تغییر داده اید و سن مخاطبان خود را از ۱۵ سال بردید به ۱۸ سال! اصلا مگر آن جوان ها، همین که ازدواج کردند دیگر جوان نیستند که فراموش شان می کنید؟

مشترک مورد نظر در دسترس نیست!

ولنگاری دقیقا همان کلمه‌ای است که به قد و قامت فضای مجازی می‌آید. نه این که فکر کنید ما الان موافق طرح صیانتیم. نه مساله خیلی بیشتر از اینهاست. این سناریو که هرکی موافق مذاق ما نبود سریع حذف کنیم، بعید است جواب بدهد. قبلا هم هزاربار هزار چیز را فیلتر کردیم و بازار فیلترشکن ها را داغ!

امروز یک اپلیکیشن را که ما هم معتقدیم ضررهایی دارد به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، گذاشتیم کنار. خب بعدش یکی دیگر از راه می‌رسد. مساله این است که آیا ما برای آن جایگزینی داریم؟

از این مهم‌تر، برای آموزش خانواده‌ها چه کرده‌ایم؟! در حالی که نوجوان نسل امروز، نصف بیشتر زندگی‌اش را برده در همین فضای مجازی و حتی از همین راه درآمدزایی می‌کند؛ پدر و مادرهای زیادی هستند که حتی از ساده‌ترین چیزهای این دنیای نوین سر در نمی‌آورند.

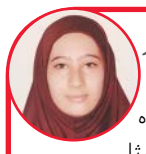
گرچه فکر می‌کنم این مطالبه‌گری، آن هم در شرایطی که حتی سرعت اینترنت در ایران، با نقطه مطلوب فاصله عجیب دارد و در زیرساخت‌ها هم دچار مشکلات فراوانیم، کمی آرمانی به نظر برسد. ولی خب ما وظیفه‌مان گفتن همین حرف‌هاست، به امید این که راهی باز شود و دلمان به همین امید روشن است.

دزد اکسیژن



مامانم اعتقاد داره من توخونه هیچ کاری نمی‌کنم، فقط می‌خورم، می‌خوابم، اکسیژن رو با بی‌رحمی وارد ریه هام می‌کنم و با بی‌رحمی بیشتر دی اکسیدکربن تولید می‌کنم و تنفس را برای بقیه خانواده سخت‌تر.

نمی‌دونم چرا وقتایی که بعد وعده‌های غذایی سفره جمع و ظرف ها شسته میشه یا اون موقع هایی که خانه جارو زده میشه رو فراموش می‌کنه و وقتایی رو بولد می‌کنه که من میدون را برای کدبانویی ایشون خالی می‌کنم و اون رو پتک می‌کنه و می‌کوبه بر سر مبارک من.



مهدیه بهشتی‌فر
تهران

فقط کافیه کاری رو بگه و یک ثانیه دیر شه، علاوه بر این که خودش دست به کار میشه غرهاش رو مثل ترکش به سمتم پرت می‌کنه. یکی نیست بگه آخه مادر من شما که هنوز حرف از دهنت بیرون نیومده کارت رو می‌کنی دیگه چرا انگ می‌زنی که من هیچ کاری نمی‌کنم؟ والا اگه دو دقیقه صبر کنی آسمون به زمین نمی‌رسه ها، ولی خب وقتی اعلان جنگ می‌کنه دیگه نمی‌شه حرفی زد چون وضع بدتر می‌شه و پای مسلسل و تیربار میاد وسط.

همیشه هم وسط این غرها و آفتابی‌کردن اعصاب من این جمله معروف که همه چیز زیر سر اوگوشیته، یه‌کم اون گوشی رو بذار کنار میاد وسط. مثل همیشه که همه آتیشا از زیر سر گوشی های بینوای ما بلند میشه.

چیزی که خوشحالم می‌کنه اینه که گوشی‌ها ادراک ندارن وگرنه یه جایی صبرشون به سر می‌رسید و آتیش زیر سرشون تندتر و اینا خود مارو هم به خاکستر تبدیل می‌کردن.